

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی نرودی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۶۱ - سه شنبه ۹۱/۱۱/۲۴

بررسی اشکال بر کلام محقق نائینی رحمته الله

به نظر می‌رسد این اشکال بر کلام محقق نائینی رحمته الله وارد نیست؛ زیرا اگر علم به تکلیف فعلی علی‌کلی تقدیر موجود نباشد اساساً چگونه علم اجمالی می‌تواند دارای اثر باشد؟!

به تعبیر دیگر: اگر این کبرای کلی که علم اجمالی زمانی مؤثر است که علم به تکلیف فعلی علی‌کلی تقدیر باشد، را نمی‌پذیرید - که قابل مناقشه نیست - تا احراز نکنیم که معلوم ما حکم فعلی است علم اجمالی اثری ندارد و در صورتی که ما احتمال دهیم معلوم ما همان معلوم تفصیلی است و چیز دیگری نیست لامحاله علم اجمالی تکلیف فعلی را برای ما منکشف نمی‌کند؛ زیرا کشف جدیدی ندارد و وقتی تکلیف فعلی احراز نشود این علم اجمالی فاقد اثر خواهد بود.

به عنوان مثال: علم اجمالی به نجاست یکی از دو إناء وجود دارد و علم تفصیلی به نجاست إناء شرقی محقق می‌شود، حال چگونه می‌توان احراز کرد علم اجمالی ما به تکلیف فعلی است و غیر از چیزی است که بالتفصیل معلوم است؟ از آنجا که نمی‌دانیم علم اجمالی علم به تکلیف جدیدی غیر از معلوم بالتفصیل است اثری ماوراء علم تفصیلی نخواهد داشت، در نتیجه علم اجمالی بدون اثر خواهد بود و کلام محقق نائینی رحمته الله درست است.

توضیحی پیرامون فرمایش محقق نائینی رحمته الله

به نظر می‌رسد بیان محقق نائینی رحمته الله متین و قوی است و تنها این نکته را در مورد فرمایش محقق نائینی رحمته الله می‌توان بیان کرد که این کلام در جایی صحیح است که علم تفصیلی یا آماره و اصل مثبت تکلیف،

همان چیزی را اثبات کند که علم اجمالی اثبات می‌کند و از لحاظ آثار تفاوتی نداشته باشد و إلا اگر علم اجمالی از لحاظ آثار با علم تفصیلی متفاوت باشد در این صورت علم اجمالی اثر خود را خواهد داشت.

به عنوان مثال: علم اجمالی به نجاست یکی از دو لباس وجود دارد، سپس علم تفصیلی به نجاست لباس شرقی پیدا می‌شود، اگر فرض شود دو نجاست هم‌سنگ هم هستند و در احکام، مساوی می‌باشند این علم اجمالی منحل می‌شود، ولی اگر فرض شود که مثلاً معلوم بالعلم الاجمالی متنجس به بول است و در نتیجه باید دو بار با آب قلیل شسته شود ولی علم تفصیلی به نجاست لباس شرقی به وسیله‌ی خون حاصل شده است، در این صورت علم اجمالی منحل نمی‌شود؛ زیرا علم اجمالی موجب علم به تکلیف فعلی زائد بر تکلیف معلوم می‌شود و لامحاله دارای اثر خود است و منحل نمی‌شود.

لذا باید این استثناء را در کلام محقق نائینی رحمته الله پذیرفت و چه بسا مورد قبول ایشان نیز باشد.

همچنین باید یادآور شد که زمان پدید آمدن علم تفصیلی مهم نیست، اما معلوم آن یا باید هم‌زمان با معلوم علم اجمالی یا سابق بر آن باشد و اگر متأخر از علم اجمالی باشد موجب انحلال آن نمی‌شود و به‌زودی وجه آن را بیان خواهیم کرد.

بیان محقق عراقی رحمته الله در انحلال علم اجمالی

بیان ایشان قریب به فرمایش محقق نائینی رحمته الله است و تفاوت اندکی با آن بیان دارد.

محقق عراقی رحمته الله می‌فرماید: زمانی علم اجمالی معتبر است که بتواند در هر یک از اطراف به نحو استقلالی منجز حکم باشد و در صورتی که علم تفصیلی به وجود حکم در یک طرف محقق شود یا آماره و اصلی در یک طرف قائم شود، یک طرف به واسطه‌ی علم، آماره یا اصل متنجز شده است و لهذا علم اجمالی به نحو استقلال نمی‌تواند نسبت به آن طرف منجز باشد. پس با وجود علم تفصیلی یا آماره و اصل در یک طرف، علم اجمالی به نحو استقلال منجز نخواهد بود و وقتی چنین بود معتبر نبوده و فاقد اثر است.

به عنوان مثال علم اجمالی به نجاست یکی از دو إناء وجود دارد و علم تفصیلی به نجاست خصوص إناء شرقی محقق می‌شود. با این علم تفصیلی، حکم *إجتنب عن النجس منجز* می‌شود و در نتیجه علم اجمالی مستقلاً چه چیزی را منجز کند؟

به تعبیر برخی «المتنجّز لایتنجّز ثانیاً»؛ از آنجا که إناء شرقی با علم تفصیلی یا آماره و اصل مثبت

تکلیف، منجز شده است دوباره با علم اجمالی منجز نمی‌شود و لامحاله علم اجمالی در این موارد اثری ندارد.

تفاوت کلام محقق عراقی رحمته الله با فرمایش محقق نائینی رحمته الله در این است که تمرکز کلام محقق نائینی رحمته الله بر این بود که علم اجمالی باید علم به حکم فعلی علی کل تقدیر باشد و نگاهی به مرحله‌ی تنجیز ندارد و تنها به مرحله‌ی فعلیت نظر دارد، اما محقق عراقی رحمته الله به مرحله‌ی تنجز نظر دارد و می‌گوید علم اجمالی زمانی معتبر است که بتواند در هر تقدیر مستقلاً منجز باشد و وقتی یک طرف دارای مثبت دیگری باشد علم اجمالی به نحو استقلالی در هر تقدیر منجز نخواهد بود.

با روشن شدن این تفاوت به دست می‌آید اگر اشکالی که بر کلام مرحوم نائینی رحمته الله وارد کردند تمام می‌بود بر کلام محقق عراقی رحمته الله وارد نیست؛ زیرا ایشان به مرحله‌ی تنجیز نظر دارند ولی اشکال مذکور مربوط به مرحله‌ی فعلیت است. اما آیا کلام محقق عراقی رحمته الله که محقق اصفهانی رحمته الله در اصل کلام با ایشان شریک است تمام است یا خیر؟

اشکالات شهید صدر بر فرمایش محقق عراقی رحمته الله

اشکال اول^۱

سخن مرحوم عراقی با مبنای ایشان سازگار نیست؛ زیرا محقق عراقی رحمته الله معتقد است علم اجمالی علت تامه‌ی تنجیز تکلیف است؛ به دلیل آنکه علم اجمالی را علم به فرد خاص مبهم دانستند و لذا در فرد خاص، تعبیر «علی کل تقدیر» بی‌معناست.

نقد و بررسی اشکال اول شهید صدر بر محقق عراقی رحمته الله

این اشکال بر محقق عراقی رحمته الله وارد نیست؛ زیرا محقق عراقی رحمته الله در تبیین مبنای خود تصریح کردند که وجود تردید در اطراف علم اجمالی قابل انکار نیست و علی‌رغم این تردید ما می‌دانیم واقعی محقق شده است که موضوع تکلیف است و از آنجا که آن واقع ممکن است در هر یک از دو طرف باشد لامحاله این تعبیر محقق عراقی رحمته الله بلااشکال است؛ یعنی باید علم اجمالی قدرت تنجیز استقلالی در هر طرف را داشته باشد؛ گرچه فی علم الله، واقع واحد است ولی تنجیز مربوط به ما مکلفین است و چون نمی‌توانیم آن واقع واحد را تشخیص دهیم علم اجمالی باید بتواند آن واقع را چه در اثناء شرقی چه غربی، منجز کند.

۱. بحوث فی علم الأصول، ج ۵، ص ۲۵۰.

پس کلام محقق عراقی رحمته الله با مبنای ایشان سازگار نیست.

اشکال دوم^۱ شهید صدر بر محقق عراقی رحمته الله

کبرای مذکور در کلام محقق عراقی رحمته الله بدون وجه است؛ به چه دلیل مدعی شده‌اند علم اجمالی زمانی مؤثر است که بتواند مستقلاً هر یک از اطراف را تنجیز کند؟ عبارتی که برخی گفته‌اند: «المتنجیز لا یتنجز ثانیاً» چه منشائی دارد و چه دلیلی بر آن قائم شده است؟

توضیح بیشتر: به نظر می‌رسد برخی قاعده‌ی مذکور را از تشبیه ما نحن فیه به برخی موضوعات فلسفی به دست آورده‌اند. در فلسفه گفته می‌شود: «الحاصل لا یتحصّل ثانیاً» یا «الموجود لا یوجد ثانیاً» و لذا گفته شده است: «المتنجیز لا یتنجز ثانیاً».

در حالی که هر قاعده‌ای میزان خود را دارد و نمی‌توان قواعد عقل نظری را در محدوده‌ی عقل عملی به کار بُرد و در نتیجه از حیث عقل عملی امتناعی وجود ندارد که چیزی که تنجیز دارد دوباره متنجز گردد؛ زیرا تنجیز یعنی استحقاق عقاب در صورت عدم عمل به حکم مولا، و هیچ اشکالی وجود ندارد که عقل عملی بگوید که عامل به خلاف تکلیف، هم به واسطه‌ی علم اجمالی و هم به واسطه‌ی علم تفصیلی، مستحقّ عقاب می‌باشد.

مقرر: سید حامد طاهری

۱. بحوث فی علم الأصول، ج ۵، ص ۲۵۰.